

جاز

- ۸ -

سوینگ

در مطالعه تاریخ تحول جاز بارها متوجه دیگر گونیهایی شدیم که در اثر تغییر وضع اجتماعی مردم ایالات متحده در موسیقی آنها رویداده بود. یکی از این دیگر گونیهای مهم تاریخ جاز آمریکا که رابطه مستقیمی با وضع اجتماعی مردم آن سرزمین داشت در اواخر دهه سوم میلادی یعنی در سال ۱۹۲۹ بوقوع پیوست.

در همین سال بود که اقتصاد آمریکا دچار بحران عظیمی گردید و آن زندگی مرفه اقتصادی جای خود را به وضعی ناهنجار داد که تاریخ آمریکا آنرا بطور وضوح بیان کرده است. این وضعیت نه فقط زندگی اقتصادی آمریکا را دچار وقفه ساخت بلکه موسیقی جاز را هم دچار رکود کرد و در سال ۱۹۲۹ بود که «عصر جاز» پایان رسید.

Jazz Age - ۱

در آن سال و سالهای بحرانی بعد، مردم دیگر دل و دماغ آنرا نداشتند که موسیقی جاز بشنوند و اعصاب ناراحت خویش را در اختیار چنان موسیقی پر حرکت و زنده ای بگذارند. افکار و اذهان مردم طالب موسیقی دیگری بود، موسیقی با اصطلاح شیرین تری^۱ که بتوانند با شنیدن آن غم روزانه خود را فراموش کنند.

اولین کسیکه توانست به خواستهای مردم توجه کرده و موسیقی باب طبع مردم آن زمان را بآنها ارائه دهد «پاول وایت من^۲» بود که با اجرای آثار جدیدی شهرت بسیاری کسب کرد و حتی توانست لقب «سلطان جاز^۳» را نصیب خود نماید. وی آثار خود را «جاز سنفونیک» نامگذاری کرد ولی در واقع این عمل استفاده بسیار ماهرانه ای از حسن شهرت «جاز» و «سنفونی» و تقلید ناشیانه ای از خواص این دو نوع موسیقی و تلفیق آن دو با یکدیگر بود.

کاری را که وایت من شروع کرد در امریکا بی سابقه نبود بلکه قبل از وی کمپوزیتور مشهور امریکائی «جرج گرشوین» در سال ۱۹۲۴ اثری بهتر و پرارزش تر بنام «راپسودی این بلو^۴» بوجود آورده بود که هنوز مورد توجه امریکائیهها بود. وایت من توانست با وارد کردن مقدار زیادی سازهای زهی در ارکستر خود موسیقی ملایم تری بوجود بیاورد که تا اندازه ای مورد توجه قرار بگیرد ولی موفقیت او زیاد طولانی نبود و نتوانست آنطور که باید و شاید موسیقی خود را جانشین موسیقی جاز اصیل نماید. این تحول در همان زمان شامل موسیقی سیاهان هم گردید یعنی آنها هم سعی کردند ارکسترهای بزرگتری بوجود بیاورند ولی در ضمن سعی داشتند اصالت موسیقی جاز را حفظ نمایند و نگذارند موسیقی سبک غربی در آن نفوذ کند سیاهان امریکا نوع جدیدی از موسیقی ابداع کردند و این همان طلیعه پیدایش «سوینگ» بود که بعدها تکامل بیشتری یافت و برای خود مکتبی بوجود آورد.

Paul White man - ۲ Sweet Music - ۱
Rhapsody in Blue - ۴ King of Jazz - ۳

اولین دسته‌های بزرگ موسیقی جاز در شهر نیویورک بوجود آمد. پیدایش ارکسترهای بزرگتر صرفاً بخاطر این نبود که تقلیدی از جاز سنفونیک شده باشد بلکه چون سالن‌های رستورانها و سایر اماکن نیویورک از لحاظ وسعت بزرگتر از سالن‌های شیکاگو و نیواورلئان بود از اینجهت برای اینکه صدای موسیقی بهمه زوایای سالن برسد نوازندگان مجبور شدند بروسعت ارکستر خویش بیافزایند.

افزایش عده نوازندگان ارکستر در اجرای موسیقی سنتی جاز بدون تأثیر نبود یعنی چون عده نوازندگان زیاد گردید دیگر امکان اجرای موسیقی بسبک بداهه نوازی دسته جمعی منتفی شد و نوازندگان برای اینکه بهتر هم نوازی را رعایت کنند و موسیقی را بخوبی اجرا نمایند مجبور شدند آهنگ مورد نظر خود را روی کاغذ آورده و نواختن از روی نت را معمول سازند، مسلماً در چنین موقعیتی سولیست‌ها خود بخود کارشان کساد شد و مجبور شدند مثل سایر نوازندگان نقش نوازنده ارکستر را ایفا نمایند.

سازهای این ارکسترهای بزرگ که آنها را «بیگ باند» می‌گفتند مثل ارکسترهای جاز قدیم از دو بخش سازهای ضربی و سازهای ملودیک تشکیل میشد. موضوع قابل توجه من بود که در این ارکسترها نواختن «بانجو» متروک ماند و گیتار و گاهی هم «ویبرافون» جای آنرا در قسمت سازهای ضربی اشغال کرد.

سازهای ملودیک این ارکسترها در داخل خود بچند گروه مختلف تقسیم گردیدند مثلاً یک دسته چند نفری نوازنده ترومپت و دسته دیگر ساکسیفون که خود به سه گروه مختلف تقسیم میشد و دسته نوازندگان ترمبون که سومین دسته گروه ملودیک را تشکیل میداد و هر کدام از این دسته‌ها برای خود ملودی را بطریق چندصدائی اجرا میکرد.

این سبک مسلماً در اجرا بدون اشکال نبود چون هنوز برای خود فرم بخصوصی نداشت و بیشتر اتفاق می‌افتاد که تأثیرات موسیقی رقص و یا جاز

نیواورلثان بطور کامل در آن هویدا گردد. مسلماً برای اینکه این فرم جدید دارای سنتی مخصوص بخود گردد احتیاجی بمرور زمان داشت .
بحران « ارکستر بزرگ جاز » همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۳۰ موسیقیدان مشهور « دوک الینگتون^۱ » راه حل بحران را یافت . او بعوض آرانژمانهای خشک و تقلیدی برای تمام ارکستر سبک جدیدی را بکار برد بدین معنی که وی آرانژمانرا با کمک نوازندگان خود ترتیب میداد . اعضای ارکستر وی که هر کدام از نوازندگان با سابقه و حرفه‌ای بودند (بواسطه کثرت اسامی اذکر آنان میگذریم) هر کدام توانستند عقیده خود را آنطور که دلخواهشان بود بیان نمایند و در « پارتیتور » بگنجانند . این طرز عمل باعث شد که روح تازه‌ای به کالبد ارکستر بزرگ جاز دمیده شود و آنرا از بحران نجات دهد .

بدین طریق و بوسیله « الینگتون » بود که عصر سوینگ بوجود آمد و راه تکامل و تحول خویش را پیدا کرد .

عنصر اصلی و مشخصه موسیقی جاز سوینگ ، « ریف^۲ » بود که وارد موسیقی گردید . اصطلاح ریف به جملات کوتاه و مقطعی شامل دو تا چهار میزان اطلاق میگردد . این فرازها بصورت « اوستیناتو^۳ » بوسیله سازهای مختلف تکرار میشد . طرز اجرای این فرازها مثل اجرای اوستیناتوی قدیم بود یعنی اینکه در زمینه اجرا ، بیگردید و پایه‌های ضربی و باس موسیقی را تشکیل میداد . در حین اجرای « ریف » و تکرار آن سولایست مجال آنرا داشت که خود نمائی کند و ملودی اصلی را اجرا نماید .

نقش « ریف » محدود به همراهی سولایست و ایجاد ضرب و باس نبود بلکه به ایجاد اوج در اثر اجرائی و گاهی ایجاد مدولاسیون در آن کمک می- کرد . در واقع همین جمله‌های کوتاه و تکراری بود که نوع موسیقی سوینگ را از انواع دیگر موسیقی جاز متمایز ساخت و سبک جدیدی بوجود آورد

Riff - ۲

Duke Ellington - ۱

Ostinato - ۳

برای اینکه بیشتر با اهمیت این فرازهای کوتاه و طرز ساختمان آن پی ببریم بچاست که نمونه زیر را که بوسیله ارکستر « بنی گودمان » اجرا گردیده است مطالعه نماییم :



از جمله بزرگترین و مشهورترین موسیقیدانان این دوران میتوان « بنی گودمان^۱ » را نامبرد. وی موفق شد با سبک نوازندگی « ویرتوئوز » خود در کلارینت شهرت بسیاری کسب کند و از آنجا بیکه ارکستر وی هم از بهترین ارکسترهای آن زمان یعنی در حدود سال ۱۹۳۶ بود توانست لقب « پادشاه سوینگ^۲ » را برای خود کسب نماید.

علت دیگر شهرت بنی گودمان و ارکسترش آن بود که برای اولین بار سیاهپوستان با سفیدپوستان در یک ارکستر همکاری میکردند. این عمل گودمان نشان میداد که مسائل انسانی و اجتماعی مورد توجه او است و این کار وی سبب گردید که موسیقی جاز توسط راویان حقیقی خود که همان نگروها بودند اصالت خود را حفظ نماید.

این سبک سوینگ که متعلق به نیمه دوم دهه سوم این قرن بود رو به هم-رفته تأثیر بسیاری در موسیقی رقص بجا گذاشت ولی موسیقیدانان بزرگی مثل « تومی دورسی^۳ » و « آرتی شاول^۴ » توانستند سوینگ را که میتوان گفت اجرای آن از بسیاری از سبکهای مختلف جاز مشکل تر بود حفاظت کنند.

King of Swing - ۲ Benny Goodman - ۱
Artie Shaw - ۴ Tommy Dorsey - ۳

مشکل بزرگی که موسیقی سوینگ برای نوازندگان درجه اول بوجود آورده بود عدم توجه به بداهه نوازی بود. نوازندگان مشهور مجبور بودند در ارکسترهای موسیقی سوینگ که مد آن روز بود شرکت جویند تا بتوانند امرار معاش نمایند. این اشخاص نوازندگی در این ارکسترها را بسیار خسته کننده میدانستند بهمین جهت همیشه بعد از انجام وظیفه خود دورهم جمع شده و موسیقی جاز را بطور طبیعی یعنی آنطور که خود میخواستند اجرا مینمودند. در بسیاری از کافهها بعد از اینکه مشتریها آنرا ترک میکردند صدای موسیقی جاز بطور بداهه بگوش میرسید این قسمت از برنامه مخصوص خود نگروها بود و بدین وسیله توانستند سنت دیرین را حفظ کرده و نگذارند بداهه نوازی در موسیقی قربانی کاغذ نت بشود.

سیستم بداهه نوازی به شکلی که قبلاً ذکر شد کم کم رونق بیشتری گرفت بطوریکه در تمام ارکسترهای بزرگ جاز مرسوم بود که چند نفر از بهترین بداهه نوازان دورهم جمع شده و تشکیل گروه کوچکتري را میدادند. این گروههای کوچک را در اصطلاح جاز «کومبو»^۱ که مخفف «کمبیناسیون»^۲ میباشد مینامیدند که بعدها توانستند تحت همین عنوان فعالیت های بسیاری را آغاز نمایند.

در کانس سیتی:

کانزاس سیتی یکی از شهرهایی است که در زمانی خاص از لحاظ موسیقی جاز شهرت بسیار داشت ولی مدتها کسی به سنت موسیقی این شهر توجهی نمیکرد. در همان زمانیکه در نیویورک با پیداشدن موسیقی سوینگ موسیقی بلوز از بین میرفت در کانزاس سیتی هنوز این فرم ادامه داشت منتهی با تغییراتی که در نام و تا اندازه ای در فرم آن بکار رفته بود تحت عنوان «بوگی ووگی»^۳ راه تکامل خود را طی میکرد. این موسیقی با قدرت ضربی و تکنیک بسیار قوی «ریف» یکی از زنده ترین و پرازشترین انواع موسیقی جاز بشمار میرود.

Kombination - ۲ Combo - ۱

Boogie Woogie - ۳

در این سبک جاز پیانو نقش مهمی را ایفا مینمود یعنی با وارد ساختن تم‌های بسیار ضربی و مقطع از کستررا مجبور مینکرد بطور بسیار زنده‌تری به فعالیت به پردازد و برای مهارت و ویرتووزیتد در نوازندگی اهمیت بیشتری قائل شود.

سبک موسیقی کانزاس سیتی بقدری قوی بود که توانست در سر نوشت موسیقی جاز امریکا تا حد زیادی مؤثر واقع شود و راه را برای سبک مدرن جاز هموار نماید.

دگرگونی سبک قدیم

سال ۱۹۴۰ را میتوان اوج موسیقی سوینگ نامید در این سال سوینگ در تمام نقاط امریکا بعنوان موسیقی مردم‌پسند شناخته شده بود و کسی به سنت قدیم توجهی نمیکرد و شاید همه آنرا از یاد برده بودند. در همین سال بود که تحولی در موسیقی جاز پیدا شد بدین معنی که سبک جدیدی بوجود آمد و آن عبارت از دگرگونی خاصی بود که در سبک نیواورلئان رویداد.

این سبک از سواحل غربی ایالات متحده شروع به رشد و نمو نمود و بانی آن «لوواترزا» نوازنده معروف ترومپت بود که با دسته ارکستر خود توانست سنت دیرین را که موجد آن «کینگ اولیور» بود از روی صفحه‌های موجود تقلید و اجرا نماید. کار این دسته بهمین جا خاتمه نیافت بلکه آنها شروع به کاوش‌هایی در سنت قدیم نیواورلئان کردند و توانستند تا حد زیادی آنرا دوباره کشف و بهمان سبک اجرا نمایند.

قبل از شروع این دگرگونی موسیقیدان‌های حرفه‌ای بمناسبت کسادی کار شغل نوازندگی را ترک گفته و به کارهای دیگر مشغول شده بودند، ولی کم‌کم که تجدید حیات سبک قدیم واقعیتی بخود گرفت این عده تصمیم گرفتند شغل نوازندگی را از سر بگیرند. این «رجعت^۱» به سبک قدیم بزودی مورد توجه قاطبه موسیقیدانان حرفه‌ای قدیم قرار گرفت و دسته‌های بسیاری دوباره به فعالیت در راه تجدید حیات «جاز قدیم^۲» پرداختند.

Come Back - ۲ Lu Watters - ۱

Oldtime Jazz - ۳

دگرگونی در سبک قدیم جاز فقط در چهار دیواری ایالات متحده جریان نداشت بلکه کم کم با روپاهم سرایت کرد بطوریکه اصطلاح «موسیقی مدرن خانگی در معرفی این سبک جاز در تمام اروپا سرزبانها افتاد . در ممالک مختلف اروپائی مثل انگلستان، فرانسه، هلند و آلمان سبک موسیقی قدیم نیواورلئان مورد توجه جوانان واقع گردید و از آنجائیکه نواختن باین سبک ، نسبت به سبکهای مشابه خود تا اندازی ساده تر بود جوانان اروپائی توانستند غیر از استفاده از صفحات خود به اجرای موسیقی جاز به تقلید از موسیقی نیواورلئان پردازند .

دکتر خاچی

در شماره آینده
و در پایان این سلسله مقالات :
« جاز مدرن » و « جاز در کنسرت »
بررسی میشود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی